معارف حکمی جامعه ▪ دوفصلنامه علمی تخصصی
سال ششم ▪ شماره دهم ▪ بهار و تابستان ۱۴۰۴

نقش جهان‌بینی توحیدی در ازدیاد و تربیت نسل با تأکید بر جامعه معاصر ایران

فاطمه نقره[۱]

چکیده

یکی از کارکردهای مهم تشکیل خانواده، فرزندآوری و پرورش نسل است که امروزه به دلایل مختلف، مورد غفلت زوجین قرار می‌گیرد. نتیجه مستقیم این بی‌توجهی، تغییر ناگهانی هرم سنی جمعیت در ایران به زیر سطح جانشینی است که تبعات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی نامطلوب و جبران‌ناپذیری برای آینده نظام جمهوری اسلامی ایران به دنبال خواهد داشت. طبق تحقیقات انجام‌شده، مهم‌ترین عامل عدم گرایش به فرزندآوری در ایران، تغییر نگرش‌ها و باورهای جامعه است. به همین دلیل ما با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیلی ـ توصیفی، به بررسی کلامی آسیب‌شناسی فرزندآوری در ایران پرداخته‌ایم تا وجه تمایز نگاه توحیدباور و مادی‌گرا در روبه‌رو شدن با چالش‌های فرزندآوری را بیان نماییم. در منظر فردی با سبک زندگی و جهان‌بینی اسلامی، فرزندآوری از اهداف میانی خلقت بشر و بازتولید جامعه توحیدی برای تحقق عبودیت پروردگار در زمین است. فرزندان صالح در کنار معنابخشی به زندگی دنیوی، باقیات الصالحات اخروی والدین به شمار می‌روند و والدین برای تربیت فرزندان صالح، در کنار دعا و طلب استعانت از مربی حقیقی عالم، باید تربیت و پرورش خود را در اولویت قرار دهند. در نگاه توحیدی، مادری و مهرورزی او، بالاترین جایگاه و شغل اجتماعی و متناسب با خلقت تکوینی زن است و مادر با کارگزاری عاطفه اجتماعی، پرورش‌دهنده نوع بشر است و سختی‌های آن، سبب رشد و بالندگی روحی او و پاداشی همچون مجاهدان راه حق دارد.

---

۱. دانش‌آموخته سطح سه رشته کلام اسلامی جامعة الزهراء ﷺ و دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معارف قرآن دانشگاه مفید، قم، ایران؛ F.noghreh97@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۸

در نگرش الهی، اشتغال زنان برای کسب درآمد بیشتر، مطرود است؛ زیرا علاوه بر اینکه این وظیفه به عهده مردان قرار دارد، خداوند رزق و روزی هر فرد ـ یعنی همه آنچه برای تعالی رشد جسمی و روحی انسان لازم است ـ را متلازم با هستی‌بخشی به او تضمین نموده است.

واژگان کلیدی: جهان‌بینی توحیدی، ازدیاد نسل، جامعه معاصر، مادری، فمینیسم.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده، ازدیاد نسل است. این رویکرد با ورود به دوره زندگی مدرن امروزی و تغییر سبک زندگی، با تردید مواجه شده و آثار آن در سه دهه اخیر به طرز حیرت‌انگیزی باعث کاهش میزان باروری و تمایل به فرزندآوری و تغییرات جمعیتی در ایران شده است. بنابر آمار منتشرشده سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت کشور، به دنبال اجرای سیاست‌های افراطی کاهش جمعیت در دهه هفتاد شمسی در ایران، نرخ باروری با شیب تند کاهشی از ۶/۵ در سال ۱۳۶۰ به ۱/۶۵ در سال ۱۳۹۹ رسیده است؛ یعنی میزان باروری کل، به زیر سطح جایگزینی نسل نزول یافته است (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۰/۹/۲۸). این تغییر ناگهانی هرم سنی جمعیت، تبعات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی برای کشور دارد که ضروری است عوامل مستقیم و غیرمستقیم اثرگذار بر آن شناسایی و برای مقابله با آن برنامه‌ریزی گردد. به همین دلیل، مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های متعدد، نسبت به فرهنگ‌سازی در این مقوله و ایجاد مشوق‌های حاکمیتی برای افزایش جمعیت تاکید بسیاری دارند. در مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ (۱۳۹۱/۳/۲) نیز چنین آمده است:

- ماده یک؛ فرهنگ‌سازی برای دستیابی به جمعیت مطلوب و اصلاح بینش و نگرش مسئولان و مردم نسبت به پیامدهای منفی کاهش باروری، به‌ویژه زیر حد جانشینی؛
- ماده دو؛ تدوین الگوی سبک زندگی و ترویج آن، به‌ویژه فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی و اشتغال زنان متناسب با معیارهای اسلامی و هماهنگ با مصالح خانواده به‌منظور ایفای هرچه‌کامل‌تر نقش مادری و همسری (مصوبه ۱۹۰۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۱/۳/۲).

از فحوای این مصوبات چنین استنباط می‌شود که مشوق‌های مادی گرچه در کوتاه‌مدت بر انگیزه فرزندآوری تأثیرگذار است، اما مهم‌ترین عامل کاهش جمعیت، تغییر سبک زندگی و تأثیر فرهنگ غیراسلامی بر نگرش‌های جامعه ایران است. در این زمینه پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ ازجمله: مقالات «زمینه‌های کم‌فرزندطلبی و تأخیر در فرزندآوری با مطالعه موردی زنان مشهد»، ندا رضوی‌زاده و همکاران؛ «مطالعه کیفی موانع

و چالش‌های مادری زنان شاغل در شهر تهران»، رسول صادقی و زهرا شهابی؛ «احساس گناه مادری؛ کاوشی کیفی بر اشتغال زنان در رابطه مادر فرزندی»، حسینعلی دهقانی‌زاده و همکاران؛ و «چالش‌های اخلاقی فمینیسم در فرزندآوری از دیدگاه اسلام و راهکارهای آن»، مهوش کهریزی و همکاران، و موارد متعدد دیگری که درمجموع به بیان چالش‌های پیش روی فرزندآوری با بهره‌گیری از روش مصاحبه و تکمیل پرسشنامه پرداخته‌اند. براین‌اساس، عوامل زیر را ازجمله موانع فرزندآوری بیان می‌کنند:

- پُرهزینه بودن فرزندآوری؛
- تقدس‌زدایی از جایگاه مادری؛
- سخت شدن رفاه و تربیت اولاد در شرایط امروزی؛
- مانعیت فرزندان از رشد و پیشرفت فردی؛
- اشتغال بانوان و عدم مدیریت زمان؛
- ارزشمند شدن تک‌فرزندی در جامعه.

پژوهشگران و حتی جمعیت‌شناسان، غالباً باروری و گرایش به فرزندآوری را تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و زیستی می‌دانند، اما در سال‌های اخیر، کمتر کسی تأثیر نقش مهم عوامل فرهنگی و اجتماعی در تبیین باروری و گرایش به فرزندآوری را انکار می‌کند. طبق آخرین نظرسنجی ایسپا در دی‌ماه ۱۴۰۰، با افزایش سطح تحصیلات افراد، باور به تأثیر فرزند بر خوشبختی زوجین کمتر می‌شود و با بالاتر رفتن پایگاه اقتصادی خانواده‌ها، باور به اینکه داشتن فرزند موجب خوشبختی زوجین می‌شود کاهش می‌یابد و افراد با سن بالای پنجاه سال، بیش از جوانان، داشتن فرزند را موجب خوشبختی زوجین می‌دانند. این مسئله ناشی از آن است که نوعی تغییر نگرش در باورها و ارزش‌ها ایجاد شده است. در این زمینه تحقیق جامع و کاملی صورت نگرفته است و اغلب تحقیقات، حول محور یک چالش، مطالبی را بیان کرده و یا اهمیت فرزندآوری از نگاه اسلام و مقایسه آن با دیدگاه‌های فمینیستی و یا جنبه‌های تشویقی دین در این زمینه را بیان نموده‌اند.

ما در این پژوهش، با بررسی کلامی چالش‌ها، با استفاده منابع کتابخانه‌ای، اعم از کتاب‌ها، مقالات، مجلات و روزنامه‌ها، به روش تحلیلی ـ توصیفی، به تحلیل بسترهای

فکری و ارزشی ایجادکننده موانع فرزندآوری می‌پردازیم و از دریچه جهان‌بینی توحیدی، مشکلات و مصائب فرزندآوری را موشکافی می‌کنیم و به دنبال پاسخ به یک پرسش اساسی هستیم که: معارف علم کلام و باورمندی به جهان‌بینی توحیدی چگونه مشکلات و موانع فرزندآوری را تحلیل می‌کند؟ به‌عبارت‌دیگر، دین اسلام و سبک زندگی توحیدی چه برنامه‌ای برای گذار از مشکلات و موانع فرزندآوری ارائه داده است؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است ابتدا به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

- مقصود از جهان‌بینی توحیدی و سبک زندگی توحیدی چیست؟
- چه مشکلات و موانعی پیش روی فرزندآوری در ایران وجود دارد؟
- باورمندی به جهان‌بینی توحیدی چه رابطه‌ای با سبک زندگی دارد؟
- مشکلات و موانع فرزندآوری چه رابطه‌ای با سبک زندگی دارند؟
- سبک زندگی توحیدی چگونه مشکلات و مسائل فرزندآوری را تحلیل می‌کند؟

۱. مفهوم‌شناسی

آسیب‌شناسی یا پاتولوژی در علوم طبیعی، علمی است که به دنبال مطالعه آسیب‌ها، بیماری‌ها، بی‌نظمی‌ها و عوامل اختلال در ارگانیسم بدن به‌منظور درمان آنان است. در علوم اجتماعی، آسیب‌شناسی دینی، به شناخت آسیب‌ها و اشکالاتی می‌پردازد که بر اعتقاد و باور دینی و یا آگاهی و معرفت دینی و یا عملی در رفتار جامعه دینی وارد می‌شود (مکتب‌دار، ۱۳۹۳، ص۲). براین‌اساس، به مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی تحقیق می‌پردازیم.

سبک زندگی: مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد است که شیوه زندگی فرد را تعیین می‌کند و موجب اتخاذ الگوهای رفتاری خاص در روابط فردی و اجتماعی، و حتی گزینش وسایل زندگی و اوقات فراغت و شیوه مصرف می‌گردد (صائبی، ۱۳۹۹، ص۲).

جهان‌بینی: نوعی تلقی، برداشت و نگرش انسان نسبت به جهان، انسان و رابطه انسان با جهان پیرامون است که این برداشت، بر اساس مکاتب مختلف، متفاوت خواهد بود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص۱۴۴).

سبک زندگی توحیدی: انتخاب روش و شیوه صحیح برای زندگی است که ضمن تأمین خواسته‌های معنوی و مادی انسان، درنهایت، زمینه‌های رضایت و خشنودی خداوند

متعال را نیز فراهم آورد، و این مهم جز با انتخاب الگویی جامع و حامل فضایل و ارزش‌ها در زندگی، محقق نخواهد شد (همان).

فمینیسم: در لغت از ریشه Feminine به معنای زنانه، مادینه، زن‌آسا و مؤنث، و کلمه‌ای فرانسوی که از ریشه لاتینی Femina اخذ شده است. این واژه در فارسی به معانی گوناگون ازجمله، طرف‌داری از زنان، هواداری از حقوق و آزادی زنان و همچنین آزادی‌خواهی زن آمده است. در اصطلاح نیز به مجموعه‌ای از حرکت‌ها و فعالیت‌های اجتماعی گفته می‌شود که باهدف احقاق حقوق زنان و رفع تبعیض و تضییق از آنان در قرن هفدهم میلادی در فرانسه آغاز شد و سه موج را پشت سر گذاشت و اکنون در امریکا و اروپا دارای نحله‌های گوناگونی است. ولی درمجموع همه معتقدند که بایستی فرودستی زنان را فهمید و آنان را آزاد کرد (اسحاقی، ۱۳۸۴، ص۲۵).

درمجموع باید گفت مهم‌ترین و اساسی‌ترین مانع گرایش به فرزندآوری در جامعه ایرانی، تغییر در بینش‌ها است. بینش، مقدم بر نگرش است که پایه‌های جهان‌بینی هر فرد را تشکیل می‌دهد و در تعیین اهداف بلندمدت زندگی و نیز شیوه تعامل با جهان، بسیار موثر است. براین‌اساس، اهداف فردی که به خدای یگانه، به‌عنوان خالق عالم، باورمندی دارد، با اهداف کسی که هیچ اعتقادی به این موارد ندارد، متفاوت خواهد بود. ازاین‌رو، در ادامه ضمن چند محور، به تبیین نقش جهان‌بینی توحیدی در گرایش به فرزندآوری با لحاظ موانع موجود در جامعه ایران معاصر پرداخته خواهد شد.

۲. مالکیت خداوند و ازدیاد نسل

برخی زنان با این نگرش که «من مالک بدن خودم هستم و تمایلی به بارداری ندارم»، اقدام به سقط جنین می‌کنند و این مسئله را نشانه استقلال رأی و آزادی تلقی می‌کنند. این تفکر که متأثر از جهان‌بینی اومانیستی تمدن غربی است، معتقد است انسان در مقابل هیچ فردی پاسخ‌گو نیست و خدا و ماوراء ماده و جهان پس از مرگ، امری موهوم است. پس محور عالم طبیعت، انسان و لذت‌های اوست (توکلی، ۱۳۸۲، ص۱۰). بنابراین زنان می‌توانند برای رها شدن از مشقت‌های بارداری، اقدام به سقط جنین کنند. این نگرش، با مبانی توحیدی قرآن در تضاد بوده و نقد جدی بر آن وارد است.

حیات آدمی از هنگام انعقاد نطفه آغاز می‌شود و هیچ انسانی بدون اذن الهی، حق تصرف مادی و معنوی در آن را ندارد؛ زیرا مالک علی‌الاطلاق عالم، خداوند است و مالکیت اعتباری جان‌ها به‌عنوان امانت، برای مدت کوتاهی به دست انسان سپرده شده است. بنابراین، هیچ فردی اجازه خودکشی و آسیب رساندن به دیگران را ندارد و انسان تا جایی آزاد است که مانع آزادی دیگران نشود. سقط جنین علاوه بر صدمات جبران‌ناپذیری که برای مادر دارد، حق حیات و زندگی را از دیگری سلب می‌کند و موجب تعدی به آزادی دیگری می‌شود. لذا مالک و مدبر عالم، مقرراتی برای تعادل آزادی‌های بشر در نظام تشریع وضع کرده است تا افراد در مسیر هدایت و رشد و تعالی خود، دچار افراط و تفریط نشوند (کهریزی و همکاران، ۱۳۹۳، ص۱۵).

استاد مطهری در ریشه‌یابی علت شیوع سقط جنین معتقدند: «توجه به شهوات مادی، افکار را از لذات خالص و بی‌شائبه معنوی، و از آن جمله، لذت مادری منصرف کرده است. بچه‌داری در نظر اینها بدبختی است. خوشبختی، از صبح تا ظهر پشت میز نشستن و عصر در حاشیه خیابان قدم زدن و شب به سینما رفتن و... است» (مطهری، ۱۳۷۵، ج۵، ص۵۶). البته بخشی از حس تنفر از مادری، به عدم همراهی و توجه پدران به مادران از ابتدای بارداری تا پس از زایمان برمی‌گردد و القائات فضای رسانه‌ای نیز آن را تشدید می‌کند. یك بانوی فرانسوی به نام «بئاتریس ماریو»، روان‌شناس و روانکاو مخصوص بیمارستان‌های پاریس، که خودش نیز مادر سه فرزند است، نیازمندی‌های زن به محبت همسر در دوران بارداری را چنین تشریح می‌کند:

«مادر در آینده نیاز دارد که حس کند شوهرش او را می‌فهمد، دوست دارد و پشتیبان اوست... تمام غرور و افتخار یك زن، مادر شدن اوست و وقتی احساس کند که شوهرش نسبت به کودکی که او به‌زودی به دنیا خواهد آورد بی‌اعتناست، این احساس غرور و افتخار، جایش را به احساس حقارت و بیهودگی می‌دهد. از مادر بودن بیزار می‌شود... رابطه مادر و فرزند، یك رابطه دو نفری نیست؛ بلکه یک رابطه سه نفری است». (مطهری، ۱۳۷۲، ج۱۹، ص۲۶۵)

۳. رازقیّت خداوند و ازدیاد نسل

در جامعه ایران والدین تلاش می‌کنند بهترین خوراک، پوشاک و امکانات آموزشی، رفاهی و تفریحی را برای فرزندان خود فراهم آورند. به همین دلیل برای تأمین مالی این امکانات، گاه مادران نیز در کنار خانه‌داری، به کسب درآمد می‌پردازند و وقتی به آمال و آرزوهای خود دست نمی‌یابند، در امر فرزندآوری سست می‌شوند و به حداقل یک یا دو فرزند اکتفا می‌کنند. غافل از آنکه تعریف دین اسلام از زندگی موفق، رفاه کامل به معنای فراهم شدن هرآنچه فرزندان طلب می‌کنند، نیست؛ زیرا رفاه کامل گرچه برطرف‌کننده نیازهای جسمی انسان است، اما نمی‌تواند آرامش او را تضمین کند.

در تفکر توحیدی، اعتقاد به خالقیت و رازقیت خدای متعال، امری مسلّم است؛ به این معنا که همه هستی خلقت، فعل اوست و تنها رازق حقیقی، خداست. مخلوقات نیز چه در اصل وجود و چه در فعل خود، عین وابستگی به خداوند هستند و تنها نقش اسباب و وسایط رازقیّت را ایفا می‌کنند. خداوند در برخی آیات، این مسئله را یادآور می‌شود؛ ازجمله:

﴿هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾؛ «آیا آفریننده‌ای جز خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟» (فاطر: ۳). بنابراین، هنگامی که سخن از مشکلات و مسائل معیشتی و اقتصادی، به‌عنوان مانعی برای فرزندآوری می‌شود، یعنی در مرحله عمل، به باورمندی توحیدی خود پایبند نیستیم؛ حال آنکه رزق و مرزوق، متلازم یکدیگر و جداناشدنی هستند. زیرا خداوند، از فعل عبث، منزه و قادر مطلق است و نمی‌شود انسانی بیافریند و رزق او را مهمل بگذارد. همچنین این فرض ممکن نیست که رزقِ موجودات، از آنچه مورد حاجت اوست زیادتر باشد. پس رزق، داخل در قضای الهی است: «إِنَّهُ لَحَقٌّ؛ رزق حق است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۱۸، ص۳۷۵). این اصل مهم و راهبردی، در گذشته در قالب ضرب‌المثل «هر آن کس که دندان دهد نان دهد» نمود پیدا کرده، اما اکنون مغفول مانده است.

وقتی خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾؛ «هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او

بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند. همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است» (هود: ۶)، پس نباید با نگاه بدبینانه نسبت به تأمین رزق خانواده، در مسئله فرزندآوری دچار تردید شویم که قرآن کریم با قاطعیت، روزی تمام انسان‌ها و همه جانداران را تضمین کرده است (فولادی، ۱۳۹۸، ص۴۷).

به نکات بلاغی دو آیه زیر دقت کنید:

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ﴾؛ «و فرزندانتان را از (ترس) فقر نکشید، ما شما و آنها را روزی می‌دهیم» (انعام: ۱۵۱) و ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ﴾؛ «و فرزندانتان را از ترس فقر نکشید، ما آنها و شما را روزی می‌دهیم» (اسراء: ۳۱).

نکته اول: در ظاهر، معنای هر دو آیه یکسان است؛ اما آیه اول که با حرف جر (مِنْ) آمده، خطاب به پدر و مادری است که در حال حاضر فقیر هستند، ولی در آیه دوم، پدر و مادر فقیر نیستند، اما می‌ترسند که با آمدن بچه دچار فقر شوند و نتوانند هزینه‌های آن را بپردازند.

نکته دوم: در آیه اول، ضمیر (کُمْ) در نَرْزُقُكُمْ به پدر و مادر فقیر و ضمیر (هُم) در إِيَّاهُمْ به فرزندان برمی‌گردد؛ یعنی خداوند با آمدن فرزند، ابتدا فقر پدر و مادر را برطرف می‌کند و سپس به فرزندان روزی می‌دهد. اما در آیه دوم، ضمیر (هُمْ) در نَرْزُقُهُمْ که به فرزندان برمی‌گردد بر ضمیر (إِيَّاكُمْ) مقدم شده است؛ یعنی خداوند متعال روزی فرزندان را قبل از به دنیا آمدن، مقدر می‌کند و سپس روزی پدر و مادر را می‌دهد. پس خداوند متعال در هر شرایطی رزق فرزندان را تأمین می‌کند؛ چه فقیر باشیم و چه غنی (بیانات استاد جامعة الزهراء علیها السلام، درس بلاغت).

در روایتی از امام رضا علیه السلام، بکربن‌صالح می‌گوید: «به حضرت ابی‌الحسن علیه السلام نامه نوشتم و یادآور شدم که مدت پنج سال است از فرزنددار شدن جلوگیری می‌کنم. دلیلش هم این است که همسرم به‌خاطر مشکلات اقتصادی، خود را در تربیت فرزندان ناتوان می‌بیند و از آن اکراه دارد. نظر شما چیست؟ آن حضرت در جواب نوشتند: اطلب الولد فان الله یرزقهم؛ اولاددار شوید که خداوند روزی آنان را می‌رساند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۰۳، ص۲۱۸).

ترس از فقر و ناداری، نشانه ضعف ایمان و به‌نوعی شرک عملی است و اگر جامعه در

مسیر جهان‌بینی توحیدی و توحید عملی قدم بردارد، فرزندآوری، هم با نگاه رحیمانه و لطف خدا نسبت به فرزندان سبب فزونی جمعیت می‌شود، و هم پیشرفت و ترقی جامعه را از حیث افزایش نیروی انسانی توحیدباور در پی خواهد داشت (فولادی، ۱۳۹۸، ص۴۷).

۴. ارزشمندی مادری در جهان‌بینی توحیدی

امروزه به دلیل نفوذ نگرش فمینیستی غرب، اشتغال زنان در هر شغل و لباسی ارزشمند و در اولویت برتر نسبت به نقش مادری و همسری تلقی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در ظاهر، زنان شاغل از احترام و جایگاه والاتری نسبت به زنان غیرشاغل برخوردارند. در این نگرش، به خانه‌داری نه به‌عنوان شغلی اولویت‌دار، بلکه به‌عنوان فعالیتی حقیر نگریسته می‌شود که می‌توان آن را به‌صورت نیابتی به دیگران نیز واگذار نمود. متأسفانه ارزشمندی اشتغال بیرون از خانه و تخفیف مادری، در لایه‌های ذهنی مادران ایرانی فراگیر شده است و پذیرش باور توحیدی را در عمل به چالش می‌کشد. دراین‌حال اگر علاوه بر مشکلات و دشواری‌های اشتغال، خستگی‌ها و اضطراب‌های ناشی از پرورش فرزند نیز بدان افزوده شود، با احساس گناه مادری همراه می‌گردد و از ترس تعارض اشتغال با نقش مادری، تمایل به فرزندآوری نادیده گرفته می‌شود.

حال آنکه در جهان‌بینی توحیدی، اولویت شخص توحیدباور، پذیرش جایگاه مادری و اولویت‌بندی خانه‌داری است. گرچه اشتغال زنان در برخی از مشاغل، ضروری و متناسب با نیاز جامعه زنان است، اما در تداخل بین وظیفه تکوینی مادری و مشاغل دیگر، اولویت با خانه‌داری و فرزندپروری است. چنان‌که حضرت زهرا علیها السلام بعد از اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله کارهای داخل خانه را به عهده ایشان گذاشتند و امور خارج از منزل را به عهده حضرت علی علیه السلام قرار دادند، مسرور شدند و فرمودند: «هیچ‌کس جز خدا نمی‌داند که چقدر خوشحال شدم که رسول خدا کارهای سنگین و مربوط به مردان را بر من قرار نداد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۴۳، ص۸۱). این ترجیح، ناشی از آگاهی ایشان بر قوانین تکوینی و تشریعی خلقت زن است؛ زیرا کارهای سنگین خارج از منزل برای به دست آوردن رزق، فراتر از طاقت جسم ظریف زنان است. همچنین کار بیرون از منزل غالباً همراه با مراوده با مردان است که به‌مرور موجب بروز آسیب‌های روحی برای زن و جامعه می‌شود. متفکران غربی

همچون ویـل دورانـت نیز دریافته‌انـد که: «کار خـاص زن، خدمت به بقای نوع اسـت و کار خاص مرد، خدمت به زن و کودك. ممکن است کارهای دیگری هم داشته باشند، ولی همه از روی حکمت و تدبیر، تابع این دو کار اساسـی گشـته اسـت» (ویل دورانت، ۱۳۷۳، ص۱۳۶) حتی «الشـتن»، طرف‌دار موج سـوم فمینیسـم، بـا تأکید بر احیای نقش مـادری، در کتاب مـرد عمومـی، زن خصوصی، بـه دفاع از زندگی خصوصی و خانـواده فرزندمحور می‌پردازد و مادر بودن را فعالیتی پیچیده، غنی، چندرویه، پرزحمت و شادی‌آفرین می‌داند که زیستی طبیعی، اجتماعی، نمادین و عاطفی است (اسحاقی، ۱۳۸۴، ص۲۵).

عـلاوه بـر تناسـب خلقـت تکوینـی زن بـا نقش مـادری، جایگاه ویـژه و اجـر و پاداش بانـوان در قبولـی مسـئولیت مـادری، مسـلمان موحـد را بـر آن مـی‌دارد که بـا مدیریت زمان عمـر، اشـتغال در خانـه در کسـوت مـادری و همسـری را جـزء اولویت‌های مهـم و ضروری خود قرار دهد. امام صادق علیه‌السلام از رسـول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌فرماید: «هر زنی در خانه شـوهرش، بـرای نظم و سـاماندهی منزل، چیزی را از جایی بـردارد و در جایی دیگر قرار دهد، خداوند عزّ و جل به او می‌نگرد و هرکس که خدا به او بنگرد، او را عذاب نمی‌کند» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج۲۱، ص۴۵۱). البتـه باتوجه‌به رسـوخ نگرش سـطحی رایج در جامعـه، پذیرش اولویت‌بندی توحیدی و برگزیدن شـغل خانه‌داری، کاری دشوار است. در فضای فکری جامعه ایران که در رسـانه ملی نیز رسـوخ کرده است، برگزیدن شغل خانه‌داری، به تعبیر مقام معظم رهبری جهاد محسـوب می‌شـود: «یکـی از مهم‌ترین وظایـف زن، خانه‌داری اسـت. همه می‌دانند بنـده عقیـده نـدارم بـه اینکـه زن‌ها نبایـد در مشـاغل اجتماعـی و سیاسـی کار کننـد؛ نه، اشکالی ندارد؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این می‌شـود گناه. خانه‌داری یك شـغل اسـت؛ شـغل بزرگ، شـغل مهم، شـغل حساس، شغل آینده‌ساز. فرزندآوری یك مجاهدت بزرگ است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱).

تقدس‌زدایـی از جایگاه مادری و تقلیل آن به جایگاهی منفعلانه که سـبب از دسـت رفتن فرصت بروز توانمندی‌های فردی و رشـد اجتماعی زنان می‌شـود، موجب عدم رغبت به فرزندآوری در جامعه مدرن شده است. ازاین‌رو در مقایسه مادران امروز و گذشته باوجود

آنکه مادران امروز از امکانات رفاهی بیشتری برخوردارند و به‌اندازه زنان چهار دهه گذشته، کمتر از جسمشان کار می‌کشند، اما به دلیل تغییر نگرش‌ها و باورمندی‌های متأثر از آموخته‌ها و نیز القائات رسانه‌ای تمایلی ندارند وقت خود را برای خانه‌داری و فرزندآوری صرف کنند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۷۲۶).

این نگرش، از زیربنا در جهان‌بینی توحیدی مورد نقد است. ما معتقدیم نظام خلقت عالم، نظام احسن است و هر چیز در جایگاه خود، به بهترین وجه خلق و تدبیر شده است. در نظم آفرینش، زن به‌گونه‌ای آفریده شده است که به‌صورت تکوینی، کارکرد اصلی او پرورش فرزند است و این وظیفه به‌صورت اختصاصی در قالب جسم و عاطفه زن قرار داده شده است و بستر دیگری برای این امکان وجود ندارد: ﴿قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾؛ «گفت: پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده، سپس هدایت کرده است!» (طه:۵۰). بر مبنای نظام توحیدی، دو کارکرد مهم مادری می‌تواند بسیاری از چالش‌های فکری مسئله فرزندآوری را برطرف کند:

۱ـ۴. انسان‌سازی

در نگرش توحیدی، مادری مهم‌ترین پست و جایگاه جامعه بشری است؛ زیرا خداوند متعال قابلیت فرزندآوری و پرورش فرزند را فقط در نهاد زن به ودیعه گذاشته است. ازآنجاکه دامنه تأثیر رفتار و گفتار هر انسانی که پا به عرصه وجود می‌گذارد تا روز قیامت ادامه دارد، مادر پرورش‌دهنده نوع بشر و شکل‌دهنده بنیان جامعه است. لذا کنشی که در راستای تربیت او صورت می‌گیرد، مهم‌ترین و اثرگذارترین فعالیت اجتماعی تلقی می‌شود؛ زیرا میدان اثر مادری، کل جامعه است، هم در حال و هم در آینده. اگر معلمی شغل انبیای الهی است: ﴿وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (بقره: ۱۲۹)، مادران نیز حداقل هجده سال به آموزش هر فرزند اشتغال دارند. بنابراین «مادری خود مهم‌ترین وظیفه و مقام و پست اجتماعی است و باید صدر وظایف و مقامات اجتماعی زن قرار بگیرد» (افضلی و همکاران، ۱۳۹۹، ص۳۰).

مادری با شغل و فعالیت دیگری قابل قیاس نیست و فقط می‌توان آن را با فعالیت انبیای الهی مقایسه کرد؛ زیرا انبیای الهی نیز مأمور زمینه‌سازی برای رشد و کمال انسان

بودند. امام خمینی﵀، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، می‌فرمایند: «زنان، مردان شجاع را در دامان خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم انسان‌ساز است، زنان نیز انسان‌سازند. اگر زنان شجاع و انسان‌ساز از ملت گرفته شوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط کشیده می‌شوند. ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانیت خودش باشد، نه مَلعَبه باشد، نه ملعبه در دست مردها باشد، در دست اراذل باشد» (خمینی، ۱۳۹۰، ج۶، ص۳۰۰). به همین دلیل در روایات ما آمده است: «بهشت زیر پای مادران است» (نوری، ۱۴۰۸، ج۱۵، ص۱۸۰).

نمونه کامل این انسان‌سازی، در زندگی حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا﵄، دختر خاتم پیامبران ﷺ نمایان است که پرورش‌دهنده شجره طیبه امامت و ولایت در کسوت مادری است. آن‌قدر این مسئله مهم است که در درون ولنگاری تمدن غربی، آنان نیز به جایگاه بی‌بدیل مادری معترفند. آنسل، یکی از روان‌شناسان غربی، می‌گوید: «ما نمی‌خواهیم زنان در دنیا به‌سان لاله‌ها در باغ باشند و فقط منظره زیبا بسازد و به هیچ درد نخورند؛ بلکه باید مسئولیت سازندگی نسلی را بر عهده گیرند و برای بشریت، همان چیزی را به ارمغان آورند که موردنیاز و آرزوست» (بلوکی، ۱۳۹۲، ص۸۶).

۲ـ۴. کارگزاری عاطفه اجتماعی

در روابط اجتماعی، انسان علاوه بر محبت خانوادگی، نیاز به محبت جامعه دارد و زمانی می‌تواند عاطفه اجتماعی را از خود بروز دهد که آن را در عمل فراگرفته باشد. اندیشمند اسلامی، شهید مطهری معتقد است مهر مادری که به‌صورت تکوینی در وجود زنان قرار داده شده است، ضمن اینکه سبب حفظ حیات و تربیت فرزند می‌شود، کارکردی اجتماعی دارد و اثری فراتر از رابطه مادری و فرزندی می‌گذارد. ازنظر ایشان، عاطفه اجتماعی که به معنای گذشتن از حق مشروع خود به نفع دیگری و عدم تجاوز به حقوق دیگران و محترم شمردن حق آنهاست، جز در دامان مهرورزی مادر حاصل نمی‌شود؛ زیرا کودک برای رشد صحیح نیازمند دریافت نوعی از عاطفه شدید توأم با فداکاری است و مادر برای بخشش این مهرورزی به فرزندان، به دنبال ما به ازای خارجی نیست. همان عاطفه و مهر غیراکتسابی و خالص مادری که جایگزین و متولی دیگری ندارد و جلوه‌ای از رحمت و و عطوفت باری‌تعالی است و اولیای الهی درک درستی از این رحمت ربوبی

دارنـد. امـام خمینـی در وصیـت خـود به فرزنـد برومندشـان می‌فرمایـد: «تجسّـم عطوفت و رحمت در دیدگان نورانی مادر، بارقه رحمت و عطوفت ربّ العالمین است. خداوند تبارک و تعالی قلب و جان مادران را با نور رحمت ربوبیّت خود آمیخته اسـت؛ آن گونه که وصف آن را کس نتوان کرد و به شناخت کسی جز مادران درنیاید» (خمینی، ۱۳۹۰، ج۱۶، ص۲۲۵).

شـهید مطهری ثمربخش بودن تربیت را ناشـی از دو رکن اساسـی علاقه و علم می‌داند کـه ایـن دو عامـل اگر دچار نقص شـود، اهـداف تربیت محقق نمی‌شـود. ایشـان معتقدند علـم مقولـه‌ای اکتسـابی اسـت کـه حتـی مربی مهد کـودک یا پرسـتار نیـز می‌توانـد آن را به دسـت آورد. اما علاقه بین مادر و فرزند به‌صورت فطری اسـت و نمی‌توان به‌صورت نیابتی آن را از پرسـتار، دایه یا مربی مهدکودک متوقع بود (افضلی و همکاران، ۱۳۹۹، ص۹۷). بنابراین، مادری کارکرد بسیار مهمی در رشد عاطفه اجتماعی دارد و پذیرش این مسئله جز با قبول ارزشمندی جایگاه مادری در جهان‌بینی توحیدی مسیر نمی‌شود.

۳ـ۴. ایثار و فداکاری

در فردگرایی فمنیستی، جملاتی نظیر «زندگی خود را فدا کنم تا دیگری زندگی کند» یا «چرا بایـد رنج بچـه‌داری را تحمل کنم تا دیگری بیاسـاید»، فرزندآوری، معاملـه‌ای دنیایی تلقی می‌شود که سود و زیان عادلانه‌ای ندارد و کودکان، آزادی پدر و مادر و شادمانه زندگی کردن آنهـا و مخصوصـاً مـادر را مقید و محـدود می‌کنند. در این نگرش، زنان حـق دارند هر موقع که بخواهند جنین را که بخشـی از بدن مادر اسـت سـقط کنند! تا مانع بردگی و وابسـتگی جنسـی زنـان بـه مـردان شـوند (کهریـزی، ۱۳۹۳، ص۱۱). امـا در نگـرش جهان‌بینـی توحیـدی، هرکدام از این دیدگاه‌ها قابل نقد است:

اولاً؛ خالـق عالـم نیز دشـواری‌های جسـمی و روحـی گوناگون مراحـل مختلف حیات فرزنـدان را بیـان کرده اسـت و بر آن صحه می‌گذارد: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً﴾؛ «و ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند. مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد. و دوران حمل و ازشیربازگرفتنش سی ماه است؛ تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد» (احقاف: ۱۵).

ثانیاً؛ اساس خلقت بشر در دنیا، سنت ابتلا و رنج و سختی برای رشد روحی انسان است: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾؛ «ما انسان را در رنج آفریدیم (و زندگی او پر از رنج‌هاست)» (بلد: ۴). کلمه «کبد» به معنای رنج و خستگی است و این آیه به ما می‌فهماند که رنج و مشقت، از هر سو و در تمامی شئون حیات بر انسان احاطه دارد و هیچ نعمتی برنمی‌آید، مگر اینکه با ناملایماتی همراه است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۲۰، ص۴۸۷).

براین‌اساس، سختی‌ها و مشقت‌های تولیدمثل و باروری، محمل‌هایی برای رشد و تعالی روح انسان هستند نه تبعیض و ظلم. درواقع، یکی از کارکردهای فردی فرزندآوری، تحولات شخصیتی زن است که دوران پیش از مادری و پس از آن را متفاوت می‌کند. زن پس از مادر شدن، از انفعال خارج می‌شود و ویژگی‌های خاصی را در خود پرورش می‌دهد که برای حفاظت از فرزند خود بدان نیاز دارد. عامل اصلی این تحول شخصیت، احساس محبت مادر نسبت به فرزند است. شجاعت، بخشندگی و فداکاری، از فضایل اخلاقی و غلبه بر ترس، ازجمله این ویژگی‌هاست. لذا در جامعه‌ای با این نگرش، زنان سعی می‌کنند هر روز بر آگاهی‌های خود بیافزایند تا نه‌تنها زمینه‌ساز رشد شخصیت فردی و حالات روحی خود باشند، بلکه فرزندِ مستعدِ رشد و تعالی را در دامان خود پرورش دهند. به همین دلیل در روایات اسلامی، بر تأثیر حالات روحی مادر در دوران بارداری و شیردهی بر شکل‌گیری شخصیت کودک، بسیار تاکید شده است (افضلی و همکاران، ۱۳۹۹، ص۱۰۱).

ثالثاً؛ لطف و رحمت الهی در اجازه هستی‌بخشی به مادر در فرایند انسان‌سازی، سختی‌های مادری را تسهیل، و لذت مادری را که لذت اثر و مخلوق و آفرینش است دوچندان می‌کند (مطهری، ۱۳۷۵، ج۵، ص۵۴).

رابعاً؛ گرچه مادری، انجام وظیفه تکوینی زن است، اما خداوند حق مادر بر فرزند را ساقط نکرده است. در آیات متعددی، به موضوع لزوم توجه به حق مادر توسط فرزندان صراحتاً اشاره شده است. بر اساس آیات قرآن، منشأ این حق، به دو بعد جسمی و عاطفی رابطه مادر و فرزند برمی‌گردد. مقام مادری، از مقام پدری بالاتر است، به دلیل اینکه نقش مادر در تکوین نسل بعدی، کامل‌تر از نقش پدر است. در تکوین سلول اول، پدر و مادر به‌صورت برابر شریکند و از آن به بعد تا نه ماه، فرزند از خون و روح، یعنی فکر

و خلق مادر تغذیه می‌کند. همچنین حداقل، هم تا دو سال شیرخوارگی، ازنظر جسمی به مادر وابسته‌اند و هم در کودکی، از دریای بی‌پایان مهر مادری بهره‌مند می‌شوند؛ لذا خداوند امر فرموده است برای پاسداشت مقام مادری، تا آخرین لحظه، از ادای حق مادر و احترام به او کوتاهی نکنند (همان، ص۵۵). البته خالق مهربان، اجر و پاداش پذیرش این سختی‌ها را با مجاهد راه حق برابر قرار می‌دهد. امام صادق ﷺ می‌فرماید: «روزی اُمّ‌سلمه به پیامبر ﷺ گفت: همه خوبی‌ها [و ثواب‌ها] را مردها از آنِ خود کرده‌اند. پس چه چیزی برای زنان بیچاره می‌مانَد؟ پیامبر ﷺ فرمود: «آری. هرگاه زن، باردار شود، به‌منزله روزه‌دارِ شب‌زنده‌داری است که با جان و مال خود، در راه خدا جهاد می‌کند. پس چون وضع حمل کند، برایش چنان مزدی است که عظمتش در تصوّر تو نمی‌گنجد. و هرگاه کودکش را شیر می‌دهد، در برابر هر مکیدنی، ثوابی معادل آزاد کردن یک بنده از فرزندان اسماعیل برایش وجود دارد. و چون از شیر دادن فراغت یابد، فرشته‌ای بر پهلوی او می‌زند و می‌گوید: زندگی را از نو آغاز کن، که آمرزیده شدی» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج۲۱، ص۴۵۱). و نیز فرموده‌اند: «هرگاه زن در ایّام زایمان و دوره نفاسش بمیرد، روز قیامت، نامه عمل او را نگشایند» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج۱، ص۱۳۹)؛ یعنی بدون حسابرسی به بهشت می‌رود؛ زیرا ناراحتی و سختی زایمان، او را از گناه پاک ساخته است. البته چنین اجر و پاداشی در نگرش فردگرایانه تمدن غربی که در پی لذت منفعت مادی آنی است، قابل پذیرش نیست و فقط با نگرش توحیدی و پذیرش مسئله معاد و روز حساب، معنا می‌یابد.

۵. ارزشمندی فرزندآوری در جهان‌بینی توحیدی

بر مبنای نظام توحیدی، هدف خلقت انسان، بندگی و عبادت خداوندی است (ذاریات: ۵۶). عبادت به معنای دقیق آن در فرهنگ قرآنی، اطاعت بی‌قیدوشرط از خداوند است. فرد توحیدباور برای رسیدن به مقام عبودیت الهی که هدف اصلی خلقت بشر است، می‌بایست به اهداف میانی آن نیز دست یابد. یکی از اهداف میانی خلقت که خداوند متعال در آیه ۷۲ سوره مبارکه نحل بیان فرموده، تداوم نسل بشر و جلوگیری از انقراض آن است که در گرو ازدواج و تشکیل خانواده است: ﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ﴾؛

«و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید. آیا [باز هم] به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت خدا کفر می‌ورزند» (نحل: ۷۲).

در تفکر توحیدی، وجود فرزندان صالح، مایه آرامش در حیات دنیوی و میراث گرانبها برای حیاط اخروی و به فرموده پیامبر اکرمﷺ موجب سعادتمندی انسان می‌شوند. دعای انبیای الهی، به‌عنوان برترین انسان‌های روی زمین برای فرزندآوری، و نیز پیام بشارت الهی به آنان برای فرزنددار شدن، نشان‌دهنده ارجمندی فرزندآوری در نگاه توحیدی است (بلوکی، ۱۳۹۲، ص۷۳): ﴿هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾؛ «در آنجا بود که زکریا، پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: خداوندا! از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما، که تو دعا را می‌شنوی!» (آل‌عمران: ۳۸).

حضرت ابراهیمؑ نیز از خداوند فرزندی صالح طلب می‌کند که بتواند خط رسالت را تداوم بخشد و برنامه‌های نبی را ادامه دهد: ﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ﴾؛ «پروردگارا! به من از صالحان [فرزندان صالح] ببخش!» (صافات: ۱۰۰). آن حضرت در آیه‌ای دیگر از خداوند می‌خواهد فرزندان را نور چشم آنان قرار دهد: ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ...﴾؛ «و کسانی که می‌گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده» (فرقان: ۷۴). علامه طباطبایی می‌فرماید: «مراد آن است که همسران و فرزندان، موفق به طاعت خدا و اجتناب از معصیت او شوند و درنتیجه از عمل صالح آنان، چشم ایشان روشن گردد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۱۵، ص۳۳۹).

دعای انبیای الهی مبنی بر درخواست فرزند صالح و نورچشم و ذریه پاک از خداوند حاکی از آن است که فرزندان صالح، بازتولید جامعه توحیدی هستند و می‌توانند با عمل به قوانین توحیدی، ادامه‌دهنده حاکمیت عبودی خدا در زمین باشند؛ چنان‌که حضرت ابراهیمؑ از خداوند می‌خواهد ذریه‌اش را از اقامه‌کنندگان نماز قرار دهد: ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾؛ «پروردگارا! مرا برپاکننده نماز قرار ده، و از فرزندانم (نیز چنین فرما)، پروردگارا! دعای مرا بپذیر!» (ابراهیم: ۴۰). اگر اقامه نماز را به معنای عام آن، یعنی تلاش و کوشش در راه عبودیت مطلق حق معنا کنیم، این آیه مؤید آن است که

در حکومت توحیدی، فرزندآوری در راستای اقامه بندگی الهی، امری لازم و ضروری است که هم متولیان حاکمیتی جامعه و هم افراد جامعه باید با برنامه‌ریزی و ایجاد آمادگی لازم در خود، برای تربیت نسل آینده اهتمام ویژه‌ای داشته باشند.

از سوی دیگر، هر انسانی برای تحرک و ادامه زندگی، نیازمند هدف است و بدون داشتن هدف متعالی، زندگی معنا و مفهومی نخواهد داشت. فرزندآوری یکی از اهداف میانی خلقت، ثمره و نتیجه‌ای در راستای معنابخشی به زندگی والدین دارد و فرزندان با گام نهادن در راه بندگی خدا، والدین را در راه رسیدن به عبودیت یاری می‌کنند. امام سجاد علیه‌السلام در دعای بیست و دوم صحیفه می‌فرمایند: «اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضُدِي، وَ أَقِمْ بِهِمْ أَوَدِي، وَ كَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِي؛ خدایا! وجودم را به آنان نیرومند و کجی‌ام را به‌وسیلهٔ آنان راست کن، و تبارم را به آنان افزونی ده». (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، ص۱۶۵). فرزندان به‌عنوان میوه‌های نهال زندگی می‌توانند یاریگر والدین در مسیر رشد و تعالی روحی و مادی زندگی باشند و این معنابخشی را در نسل خود به‌عنوان باقیات الصالحات گسترش دهند.

۶. ارزشمندی تربیت فرزند در جهان‌بینی توحیدی

بنابر تحقیقات انجام‌شده، برخی والدین به دلیل دغدغه‌مندی در امر تربیت فرزندان و نداشتن فرصت کافی برای این امر، نسبت به فرزندآوری و افزایش فرزندان تردید می‌کنند. باید از آنان پرسید چه کسی متولی تربیت فرزند است؟ فرزند باتربیت چه ویژگی‌هایی دارد و هدف از این ویژگی‌ها چیست؟

گرچه تربیت فرزندان در فضای فکری جامعه امروز بسیار دشوار است، اما اگر بپذیریم خالق عالم خداست و او مربی حقیقی و مدبر امور است که در اولین آیه سوره مبارکه حمد ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ و در آیات دیگر بدان اشاره شده است، نگرانی‌ها و اضطراب‌های ناشی از عوامل بیرونی تربیت کاهش خواهد یافت. کلمه «رب» در اصل به معنی مالك و صاحب چیزی است که به تربیت و اصلاح آن می‌پردازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج۱، ص۳۰): ﴿قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾؛ بگو: آیا غیر از خدا، پروردگاری را بطلبم، درحالی‌که او پروردگار همه چیز است؟!» (انعام: ۱۶۴).

او خالق و مربی انسان است و بهتر از هرکسی می‌داند این انسان در تمام عمر به

چه چیزی نیازمند است؛ لذا نظام عالم را برای تربیت و تکامل او فراهم می‌کند. در کنار آن، مجموعه دستورالعمل‌هایی را در قالب کلام‌الله در قرآن نازل کرده و راهنمایانی برای واکاوی قوانین آن برگزیده است تا بشر از سردرگمی و انحراف نجات یابد. پس اگر والدین بر اساس آنچه رب‌العالمین دستور داده است، عمل کنند و از او اطاعت محض داشته باشند، هم بندگی الهی را که هدف نهایی خلقت است انجام داده‌اند، و هم تحت سرپرستی او تربیت می‌شوند. لذا اولین زمینه برای تربیت فرزندان شایسته، «پرورش خود» است؛ زیرا روح و جسم فرزندان، متأثر از والدین آنها است. فرزندان ما آنچه را از اعمال و رفتار ما می‌بینند باور و عمل می‌کنند، نه آنچه به‌عنوان پند و نصحیت پدرانه یا مادرانه در گوششان زمزمه می‌کنیم. درواقع فرزندان ما، خود ما می‌شوند، نه آنچه ما در ذهن می‌پرورانیم و یا آرزو می‌کنیم. حتی بسیاری از ویژگی‌های روحی و روانی والدین ازطریق وراثت به فرزندان منتقل می‌شود.

لذا برای تربیت فرزندان کافیست بدانیم والدین، به‌خصوص مادر که اولین مهد تربیتی کودکان از هنگام انعقاد نطفه است، بیشترین تأثیر تکوینی را بر تربیت فرزندان دارند و از محرک‌های محیطی و عوامل عاطفی و روانی بر جنین قبل از تولد متأثرند. این مسئله در آیه سوم سوره مبارکه نور در خصوص حرمت ازدواج مرد یا زن پاکدامن با زناکار به‌صراحت اعلام شده است (بلوکی، ۱۳۹۲، ص۸۳): ﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً... وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ «مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرك ازدواج نمی‌کند...؛ و این کار بر مؤمنان حرام شده است!» (نور:۲).

شرایط عاطفی و روانی مادر و نیز اعتقادات و باورهای او، بر جنین تأثیرگذار است. شکوفایی و شکل‌گیری شخصیت کودک از رحم مادر آغاز می‌گردد و در دامان پرمهر او تداوم می‌یابد. پیامبر اکرمﷺ در مورد انتخاب همسر شایسته می‌فرمایند: «از انتخاب زنان زیبارو در خانواده‌های بد و محیط فاسد پرهیز کنید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۳۳۲). همچنین می‌فرمایند: «از ازدواج با زنان احمق پرهیز کنید که موجب بدبختی و تباهی فرزندان خواهد شد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۰۰، ص۲۱۴).

حتی بخشی از تربیت فرزندان، به نوع تغذیه آنان بازمی‌گردد (بقره: ۱۶۸) و آنچه می‌خوریم، در حالات جسمی و روحی ما و رفتار و عملکرد ما مؤثر خواهد بود؛ ازاین‌رو،

غفلت والدین نسبت به تغذیه فرزندان با غذای حلال و طیب، نسل را دچار آسیب خواهد کرد (بلوکی، ۱۳۹۲، ص۹۰). به همین دلیل خداوند متعال در قرآن کریم در چهار آیه شریفه، به خوردن مال حلال و پاکیزه امر فرموده است. همچنین امام صادق علیه‌السلام نسبت به این مسئله هشدار داده‌اند و می‌فرمایند: «(تأثیر) درآمد حرام، در نسل آشکار می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۱۲۵).

نکته مهم دیگر آن است که انسان در مسیر زندگی دنیا نباید از یاری و استعانت خالق هستی غافل شود. در فضای فکری آلوده به محتواهای مخرب شیطانی در رسانه‌ها و افکار و زبان‌ها، باید با یاری جستن از خدا از او بخواهیم که مسیر تربیت فرزندان را سهل کند. مستند این تفکر، آیه شریفه ﴿وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ﴾ است. بر اساس این آیه شریفه و آیه ۵ سوره حمد: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾، استعانت و یاری جستن، منحصراً در ید قدرت خداست و کمک دیگر موجودات، مظهر یاری رساندن و اعانت حق است (خمینی، ۱۳۷۵، ص۵۸). پس همه شئون زندگی، ازجمله عرصه تربیت و تأمین معیشت، محتاج یاری حق تعالی است. به همین دلیل اولیا و انبیای الهی، قبل از اقدام به فرزندآوری، از سلاح دعا بهره جسته‌اند. امام زین‌العابدین علیه‌السلام در دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «إِلَهِي... أَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ وَ بِرِّهِمْ؛ خدایا! مرا در تربیت و ادب کردن و نیکی در حقّشان یاری ده» (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۰، ص۱۷۰).

نتیجه‌گیری

مسئله فرزندآوری و کاهش چشمگیر جمعیت در ایران، تحت تأثیر عوامل متعددی صورت گرفته است و به نظر می‌رسد در کنار سیاست‌های کلی نظام برای ترویج کنترل جمعیت در دهه هفتاد، عوامل زیر مهم‌ترین علل گرایش به کم‌فرزندی در جامعه امروز ایران است:

- افزایش هزینه‌های زندگی و سختی تأمین رفاه فرزندان و ایجاد مشکلات اقتصادی و معیشتی؛
- ارزش شدن اشتغال بیرون از خانه برای زنان و عدم مدیریت زمان برای رسیدگی به فرزندان؛

- تقدس‌زدایی از جایگاه مادری باتکیه‌بر تفکران فمینیستی؛
- نهادینه شدن تک‌فرزندی در جامعه و ارزش شدن فرزندپروری به‌جای فرزندآوری؛
- تغییر سبک زندگی ایرانی ـ اسلامی به سبک زندگی مدرن با مبناهایی در تضاد با مبانی توحیدی اسلام.

این عوامل و موارد دیگر سبب شده است، نرخ جمعیت در ایران، اکنون به زیر حد جایگزینی برسد. در این میان، مهم‌ترین عامل برای حل این مشکل، تغییر در نگرش‌ها و باورهای مردم ایران و به‌تبع آن، انتخاب‌ها و گزینش‌های آنان در سبک زندگی است. به همین منظور، محورهای ذیل، بررسی و مورد تحلیل قرار گرفت:

۱. در نگرش نظام فکری توحیدباور، فرزندان از اهداف میانی خلقت انسان، یعنی عبودیت الهی به شمار می‌روند و سبب معنابخشی و هدفمندی زندگی والدین می‌شوند. خداوند وجود آنان را مایه امداد الهی و معین و یاور والدین در امر دین و دنیا قرار داده است، نه مانع پیشرفت پدر و مادر. در این نگرش، فرزند صالح موجب بازتولید جامعه توحیدی در دنیا و سبب آمرزش گناهان در آخرت می‌شود.

۲. در نگاه توحیدی، مربی حقیقی عالم، خداست و اوست که برای تربیت و تکامل انسان دستورهایی را فرستاده است. اگر والدین، خود عامل به انجام دستورات الهی باشند و به نحو شایسته به پرورش روح و جسم خود بپردازند، مسیر تربیت فرزندان به‌خوبی هموار خواهد شد؛ به‌خصوص مادران که اولین مهد تربیتی کودکان در دامان آنها شکل می‌گیرد و تأثیرات حالات جسمی و روحی آنان بر فرزند از هنگام انعقاد نطفه آغاز می‌شود.

۳. در کنار تدابیر والدین برای پرورش تربیت فرزند صالح، یاری جستن از خدا و استعانت از او امری ضروری و لازم است؛ زیرا عقل عملی انسان، در جذب الهامات الهی، توانایی شناخت شایستگی‌ها و فجور را ندارد. لذا در مسیر تربیت، باید از ابزار دعا بهره گرفت.

۴. در جهان‌بینی توحیدی و نظام خلقت تکوینی، کارکرد اصلی زن، پرورش نسل است و این جایگاه، مهم‌ترین وظیفه، مقام و پست اجتماعی است که می‌تواند

موجب پیشرفت و یا انحطاط ملت‌ها شود؛ زیرا گسترش دامنه تأثیر رفتار و گفتار مادر، شکل‌دهنده افراد جامعه است. درواقع، مادر کارگزار عاطفه اجتماعی در جامعه است که با عاطفه شدید توأم با فداکاری، مهروزی و تجسّم عطوفت و رحمت ربّ‌العالمین را در جامعه گسترش می‌دهد.

۵. در نگرش توحیدی، سختی‌های مادری، جزو اجتناب‌ناپذیر زندگی بشر هستند که موجب رشد و تعالی شخصیت مادر می‌شوند. در مقابل این رنج‌ها، اجر و پاداش اخروی برای آنان در نظر گرفته شده، که همسان با مجاهدان راه حق است.

۶. در نگاه توحیدی، خداوند حق مادر بر فرزند را بیش از پدر مشخص کرده و این حق مادران را، به‌عنوان پیکرسازان اول جامعه، بر عهده فرزندان قرار داده است. حقی که ناشی از پذیرش سختی‌های فرزندآوری و فرزندپروری در متن نظام خلقت وجود دارد، در نگرش فردگرایانه تمدن غربی از آن خبری نیست.

۷. در جهان‌بینی توحیدی، پذیرش جایگاه مادری و شغل خانه‌داری، اولویت اول زنان در جامعه است؛ زیرا ارزش انسان‌سازی، در صدر ارزش‌هاست که با خلقت تکوینی تناسب دارد و یکی از مهم‌ترین مجاهدت‌ها در جامعه مدرن امروزی به شمار می‌رود.

۸. در تفکر توحیدی، رزق و مرزوق، متلازم و جدانشدنی هستند و خداوند همه اسباب و وسایط رسیدن رزق همه جنبندگان را تضمین کرده است و نباید به‌خاطر ترس از فقر، مانع فرزندآوری شد.

پیشنهاد می‌شود متولیان و مدیران جامعه، برای نهادینه شدن چندفرزندی در جامعه، در کنار بهبود شرایط اقتصادی و معیشتی زوج‌های جوان، نسبت به فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش جامعه با ابزارهای مختلف ازجمله جهاد تبیین برای ایجاد سبک زندگی ایرانی ـ اسلامی، سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی و پیگیری لازم را انجام دهند؛ زیرا قطعاً فرزندآوری و جبران کاهش چشمگیر جمعیت در سال‌های اخیر، در مدت زمان کوتاهی که پنجره جمعیتی ایران بسته می‌شود، نیازمند اراده قوی خانواده‌هاست که این اراده قوی جز با نگرش توحیدی، محقق نخواهد شد.

فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی.

صحیفه سجادیه (۱۳۹۰ش)، ترجمه: حسین انصاریان، تهران: انتشارات دار العرفان.

۱. ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، تصحیح و ترجمه: علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲. اسحاقی، سیدحسین (۱۳۸۴ش)، فمینیسم، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

۳. افضلی، مرضیه و همکاران (۱۳۹۹ش)، «جایگاه مادری از منظر شهید مطهری در مقایسه با فمینیسم»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی بسیج، ش۸۶، بهار، ص۹۷ـ۱۰۱.

۴. بلوکی، افضل و همکاران (۱۳۹۲ش)، «زمینه‌های بایسته تربیت کودک در مرحله پیش از تولد از منظر قرآن»، فصلنامه اخلاق، ش۱۰، تابستان، ص۷۳ـ۹۰.

۵. توکلی، غلامحسین (۱۳۸۲ش)، «اومانیسم دینی و اومانیسم سکولار»، پژوهش‌های فلسفی ـ کلامی، ش۱۷ـ۱۸، ص۱۰.

۶. حر عاملی، محمدبن‌حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام.

۷. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹ش)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، چاپ ۲۴، مشهد: مؤسسه ایمان جهادی.

۸. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۰ش)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله.

۹. ـــــــــ (۱۳۷۵ش)، تفسیر سوره حمد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله.

۱۰. صادقی، رسول و همکاران (۱۳۹۶ش)، «مطالعه کیفی موانع و چالش‌های مادری زنان شاغل در شهر تهران»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ش۴، زمستان، ص۷۲۴.

۱۱. صائبی، محمد (۱۳۹۹ش)، «سبک زندگی اسلامی»، وبگاه خبرگزاری دانشجو، شهریور، کد خبر: ۸۷۲۸۵۵.

۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۳. فولادی، محمد (۱۳۹۸ش)، «واکاوی جایگاه جمعیت در اسلام و نگاهی به جایگاه آن در نظام اسلامی»، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، ش۴، پاییز، ص۴۷.

۱۴. کهریزی، مهوش و همکاران (۱۳۹۳ش)، «چالش‌های اخلاقی فمینیسم در فرزندآوری از دیدگاه

اسلام و راهکارهای آن»، فصلنامه پژوهش‌نامه اخلاق، ش۲۴، تابستان، ص۱۱ـ۱۵.
۱۵. کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۴۰۷ق) ، الکافی، تصحیح و ترجمه: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۱۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲ش)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، چاپ هشتم، قم: صدرا.
۱۸. ـــــــــ (۱۳۷۵ش)، یادداشت‌های استاد مطهری، چاپ هشتم، قم: صدرا.
۱۹. ـــــــــ (۱۳۹۲ش)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری (نظام حقوق زن در اسلام)، چاپ هشتم، قم: صدرا.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۱. مکتب‌دار، علیرضا (۱۳۹۳ش)، «آسیب‌شناسی دینی»، سایت پژوهه (پژوهشگاه باقرالعلوم)، آبان، ص۲.
۲۲. نوری، حسین‌بن‌محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام.
۲۳. ویل دورانت (۱۳۷۳)، لذات فلسفه، ترجمه: عباس زریاب خویی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

وبگاه:

۱. خبرگزاری تسنیم، https://www.tasnimnews.com، ۱۴۰۰/۹/۲۸.
۲. دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، https://farsi.khamenei.ir.
۳. شورای عالی انقلاب فرهنگی، https://sccr.ir، مصوبه ۱۳۹۱/۳/۲.